

دانش سیاسی ۷

سیدامیرمسعود شهرام‌نیا

جهانی شدن

و

دموکراسی در ایران

نشر نگاه معاصر

جهانی شدن و دموکراسی در ایران

سید امیر مسعود شهرام‌نیا

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری:
باسم‌الرساله / حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: کارگاه نگاه معاصر (مریم سلوکی) /
لیتوگرافی: نوید / چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۸۶ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه /
قیمت: ۸۵۰۰ تومان

نگاه معاصر
نشر نگاه معاصر

نشانی: تهران، مینی سیتی، بسیج غربی، رضوان ۲، بلوک ۱۱، واحد ۱۰
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:	شهرام‌نیا، امیر مسعود
عنوان و پدیدآورنده:	جهانی شدن و دموکراسی در ایران معاصر / امیر مسعود شهرام‌نیا.
مشخصات نشر:	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری:	ج، ۶۷۰ ص؛ جدول.
شابک	964-7763-56-5
یادداشت:	فیا.
یادداشت:	واژه‌نامه.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۶۲۹-۶۷۰؛ همچنین بصورت زیرنویس.
موضوع:	جهانی شدن.
موضوع:	جهانی شدن - ایران - جنبه‌های اجتماعی.
موضوع:	دموکراسی - ایران - تأثیر جهانی شدن.
موضوع:	دموکراتیک شدن - ایران.
ردمبندی کنگره	ج ۹۳ ش ۱۳۹۸ / JZ
ردمبندی دیویی	۳۰۳/۲۸۲
شماره کتابخانه ملی:	۴۵۰۳۲-۸۵

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۳	مقدمه
۲۶	۱- فرضیه اصلی
۲۶	۲- هدف ما
۲۶	۳- مقطع زمانی
۳۳	۱- جهانی شدن و نظریه های آن
۳۳	پیشگفتار
۳۴	۱-۱) واژه جهانی شدن
۳۶	۱-۲) تعریف جهانی شدن
۴۶	۱-۳) تاریخچه جهانی شدن
۵۳	۱-۴) عوامل مؤثر بر پدیده جهانی شدن
۵۸	۱-۵) نظریه های جهانی شدن
۶۳	الف - دسته اول: نظریات کلاسیک جهانی شدن:
۶۵	ب - دسته دوم: نظریه پردازان موضوعی:
۶۹	پ - نسل سوم نظریات جدید جهانی شدن:
۷۷	۱-۶) منتقدان جهانی شدن
۷۹	۱-۷) جمع بندی فصل
۸۷	۲- ابعاد، وجوه و شاخصهای جهانی شدن
۸۷	پیشگفتار
۸۸	۲-۱) بعد فنی و تکنولوژیک

- ۲-۲) بعد اقتصادی..... ۸۹
- الف - جهانی شدن تجارت: ۹۱
- ب - سرمایه گذاریهای خارجی: ۹۲
- پ - تقسیم کار بین المللی: ۹۳
- ت - اقتصاد بازار آزاد: ۹۴
- ث - شرکتهای چند ملیتی: ۹۵
- ج - تحول سازمانی: ۹۷
- چ - مهاجرت نیروی کار: ۹۸
- ۳-۲) بعد سیاسی ۹۹
- الف - جهانی شدن و دولت - ملت: ۱۰۰
- ب - جهانی شدن سیاست و بازیگران جدید سیاسی: ۱۰۱
- پ - مسائل مشترک ساکنان کره زمین: ۱۰۳
- ت - حقوق بشر: ۱۰۳
- ث - فرهنگ سیاسی نوین: ۱۰۴
- ۴-۲) بعد فرهنگی ۱۰۶
- الف - هویت جهانی و فرهنگ جهانی: ۱۰۹
- ب - توسعه ارتباطات: ۱۱۰
- پ - مصرف گرایی: ۱۱۲
- ت - گروههای قومی و محلی و ملیت ها: ۱۱۴
- ۵-۲) بعد اجتماعی ۱۱۶
- الف - جنبشهای اجتماعی نوگرایانه: ۱۱۶
- ب - مهاجرت های گسترده: ۱۱۷
- پ - مسائل زیست محیطی: ۱۱۷
- ت - سازمانها و نهادهای فراملی: ۱۱۷
- ۶-۲) شاخصهای جهانی شدن ۱۱۸

۱۲۵	۷-۲) جمع‌بندی فصل.....
۱۲۷	۳- دموکراسی و شاخصهای آن.....
۱۲۷	پیشگفتار.....
۱۲۸	۳-۱) تعریف دموکراسی و سابقه پیدایش آن.....
۱۳۴	۳-۲) دموکراتیزاسیون.....
	۳-۳) نظریه امواج دموکراسی، چارچوبی مناسب برای
۱۳۷	مطالعه روند دموکراتیزاسیون در نظامهای سیاسی.....
۱۴۴	۳-۴) نظریات دموکراتیزاسیون.....
۱۴۶	۳-۵) پنج الگوی دموکراتیزاسیون.....
	۳-۶) مدل‌های مختلف دموکراسی و انواع نظریه‌های
۱۵۲	حکومت.....
۱۵۴	۱- نظریه مارکسیستی.....
۱۵۵	۲- نظریه نئومارکسیستها.....
۱۵۵	۳- نظریه الیتستی.....
۱۵۷	۴- نظریه کورپوراتیسم.....
۱۵۷	۵- نظریه کارکر دگرایانه.....
۱۵۷	۶- نظریه پلورالیستی.....
۱۵۸	۷- نظریه راست نو.....
۱۵۹	۸- نظریه دولت حداقل.....
۱۵۹	۹- نظریه دموکراسی مشارکتی.....
۱۶۱	۳-۷) مدل‌های نوین دموکراسی پس از جهانی شدن.....
۱۶۱	۱- مدل دموکراسی نیمه‌مستقیم.....
۱۶۲	۲- الگوی دموکراسی خودمختاری مستقیم.....
۱۶۳	۳- دموکراسی الکترونیکی یا دیجیتالی.....
۱۶۵	۳-۸) شاخصهای دموکراسی.....

- ۱۶۹ ۳-۹) ساختار سیاسی دموکراتیک و شاخصهای دموکراسی
- ۱۷۱ ۱- عقلانیت بازیگران و گروههای سیاسی
- ۱۷۲ ۲- انتخابات آزاد
- ۱۷۴ ۳- قدرت تصمیم‌گیری منتخبان مردم
- ۱۷۵ ۴- آزادی احزاب، گروههای سیاسی و
- ۱۷۶ ۵- تفکیک قوا و نظارت قوا بر یکدیگر
- ۱۷۶ ۶- آزادیهای سیاسی
- ۱۷۷ ۷- تأمین آزادیهای فردی
- ۱۷۷ ۸- وجود قوانین اساسی مکتوب
- ۱۷۸ ۹- وجود فرصتهای برابر سیاسی، اجتماعی
- ۱۷۸ ۱۰- وجود بسترهای اقتصادی مناسب
- ۱۷۹ ۱۱- وجود مکانیسمهایی برای حل منازعه
- ۱۸۰ ۳-۱۰) جمع‌بندی فصل
- ۱۸۵ ۴- جهانی‌شدن و دموکراسی
- ۱۸۵ پیشگفتار
- ۱۸۷ ۴-۱) نظریه‌های مختلف درباره جهانی‌شدن و تأثیر آن بر دموکراسی
- ۱۸۷ ۱- رویکرد مثبت نسبت به تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی
- ۱۹۳ ۲- رویکرد منفی نسبت به تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی
- ۱۹۳ ۳- نگرش بینابینی نسبت به تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی
- ۱۹۷ ۴-۲) جایگاه دولت - ملت در پی جهانی‌شدن
- ۲۰۰ ۴-۳) نحوه تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی
- ۲۰۹ ۱- تحول در مفهوم دموکراسی

- ۲- توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات ۲۱۰
- الف- فضای سبیرنتیک: ۲۱۱
- ب- اینترنت: ۲۱۴
- پ- رسانه‌های جمعی ۲۱۶
- ۳- بازار آزاد اقتصادی ۲۱۹
- ۴- شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین ۲۲۴
- ۵- طرح مسایل مشترک جهانی ۲۲۷
- ۶- گسترش جامعه مدنی ۲۳۳
- ۷- رشد طبقه متوسط ۲۳۷
- ۸- توجه به حقوق بشر ۲۳۷

۴-۴) الگوی سنجش تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی در

- هر کشور ۲۴۳
- ۱- الگوی منشور ملل متحد ۲۴۵
- ۲- الگوی جهان‌وطنی هلند ۲۴۶
- ۳- الگوی تعمیم دموکراسی لیبرال فوکویاما ۲۴۸
- ۴- الگوی نظام جهانی ۲۴۹
- ۵- الگوی امواج دموکراسی هانتینگتون ۲۵۰
- ۴-۵) جمع‌بندی فصل ۲۵۴
- ۵- روند و شاخصهای دموکراسی در ایران ۲۶۱
- پیشگفتار ۲۶۱
- ۵-۱) امواج دموکراسی در ایران ۲۶۴
- ۱- موج نخست: انقلاب مشروطه ۲۶۵
- ۲- موج دوم: از پایان استبداد رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰ ۲۷۰
- تانهضت ملی شدن نفت ۲۷۰
- ۳- موج سوم: انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ۲۷۷

۲۸۶	۴- موج چهارم: انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶
	۵-۲) وضعیت دموکراسی در ایران قبل از موج
۲۸۹	اخیر جهانی شدن
	۵-۳) دوره های مختلف نظام سیاسی ایران پس از
۲۹۲	انقلاب اسلامی
	۱- دوره نخست سالهای بین پیروزی انقلاب
۲۹۲	تا فوت امام خمینی
	۲- دوره دوم، از ارتحال امام خمینی در ۱۳۶۸
۲۹۷	تا انتخابات دوم تا خرداد ۱۳۷۶
۳۰۳	۳- دوره سوم پس از انتخابات خرداد ۱۳۷۶ تا کنون
۳۰۸	۵-۴) زمینه های دموکراسی در ایران در مقطع مورد بررسی
۳۰۸	۱- طبقات و نیروهای اجتماعی
۳۱۵	۲- شکل گیری سازمانها، احزاب و نیروهای سیاسی جدید
۳۱۹	۳- شکافهای اجتماعی
۳۱۹	الف- شکاف جنسیتی:
۳۲۲	ب- شکاف سنی و تغییرات جمعیتی:
۳۲۵	پ- شکاف اقتصادی:
۳۲۶	ت- شکاف علمی- آموزشی:
۳۲۸	ث- شکاف سنت و مدرنیسم:
۳۳۳	۴- توسعه گفتمان مردم سالاری دینی
۳۳۷	۵- ظرفیتهای دموکراتیک موجود در قانون اساسی
۳۴۰	۶- تغییرات ارزشی
۳۴۴	۵-۵) جمع بندی فصل
۳۴۹	۶- تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی در ایران معاصر
۳۴۹	پیشگفتار

۳۵۱	۱-۶) شاخصهای جهانی شدن در ایران معاصر
۳۵۲	الف- رشد و گسترش فناوری های اطلاعات و ارتباطات: ...
۳۵۶	۱- وضعیت رسانه های مکتوب
۳۶۸	۲- وضعیت رسانه های صوتی و تصویری
۳۸۰	۳- اینترنت، ارتباطات دیجیتال و فضای سایبرنتیک
۳۸۴	۴- جایگاه ایران در دنیای ارتباطات
۳۹۳	ب- تلاش برای پیوستن به اقتصاد جهانی:
	۱- درخواست پیوستن به سازمان تجارت
۳۹۵	جهانی (WTO):
۳۹۹	۲- حضور در عرصه تجارت جهانی
۴۰۴	۳- توجه به سرمایه گذاری خارجی
۴۰۷	۴- تقویت صنعت جهانگردی در ایران
۴۱۰	۵- تلاش برای خصوصی سازی
۴۱۵	۶- افزایش مهاجرت نیروی کار
۴۲۰	پ) حضور فعالانه تر در عرصه روابط بین الملل:
	۱- افزایش روابط خارجی و تنش زدایی در صحنه
۴۲۱	بین الملل
	۲- پیوستن به همگرانیهای منطقه ای، سازمانها
۴۲۳	و اتحادیه های فراملی و جهانی
	۳- پیدایش و گسترش گروهها و سازمانهای
۴۲۶	غیردولتی (NGO) در سطوح ملی و فراملی
	۴- توسعه مبادلات و همکاریهای فرهنگی در
۴۲۸	سطح جهانی
	ت- توجه به جامعه جهانی در سیاستگذاری
۴۳۱	و برنامه ریزی:

۱- طرح ایده گفتگوی تمدنها، تلاش برای حضور

۴۳۲ در کاروان جهانی شدن

۴۳۴ ۲- توجه به جهانی شدن در برنامه‌های توسعه

۴۳۹ ۶-۲ جمع‌بندی فصل

۷- شواهد تأثیر جهانی شدن بر گسترش دموکراسی در

۴۴۹ ایران معاصر

۴۴۹ پیشگفتار

۴۵۰ ۷-۱ طرح دموکراسی به عنوان گفتمان غالب

۴۵۸ ۷-۲ چهار گفتمان سیاسی در ایران معاصر

۴۵۸ ۱- گفتمان پاتریمونیالیسم سنتی

۴۵۸ ۲- گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی

۴۵۹ ۳- گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک

۴۵۹ ۴- گفتمان دموکراسی

۷-۳ رشد آگاهیهای جمعی و شکل‌گیری فرهنگ

۴۶۵ سیاسی نوین

۴۶۶ ۷-۴ انواع فرهنگ سیاسی

۴۶۶ ۱- فرهنگ سیاسی محدود (بسته)

۴۶۷ ۲- فرهنگ سیاسی تبعی (انفعالی)

۴۶۷ ۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی

۷-۵ گسترش مشارکت سیاسی افراد و گروه‌های

۴۸۷ مختلف اجتماعی

الف- مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری طی

۵۰۳ سالهای پس از پیروزی انقلاب:

۵۱۴ ب- مشارکت در سایر انتخابات پس از انقلاب:

۵۲۲ پ- انتخابات شوراهای شهر و روستا:

۵۲۷	۶-۷) تقویت بازار آزاد اقتصادی و رشد خصوصی سازی
۵۳۹	۷-۷) گسترش نهادها و ساختارهای دموکراتیک
۵۴۰	الف- انواع ساختارهای سیاسی در ایران:
۵۴۹	ب- نظریات مربوط به تحول ساختار نظام سیاسی:
۵۴۵	۸-۷) رشد احزاب و نهادهای مدنی
	۹-۷) افزایش تعداد و فعالیت سازمانها و گروههای
۵۵۵	غیردولتی (NGO)
۵۵۷	۱۰-۷) سابقه NGOها در ایران:
	۱۱-۷) ایجاد شوراهای شهر و روستا، ابزاری جدید
۵۶۵	برای مشارکت سیاسی
۵۷۲	۱۲-۷) توجه بیشتر به ارزشها و نهادهای حقوق بشر
۵۷۵	الف- حقوق بشر مبنای مشروعیت سیاسی و دموکراسی:
۵۷۸	ب- ایران، حقوق بشر و دموکراسی:
۵۸۶	۱۳-۷) جمع بندی فصل
۵۸۹	جمع بندی و نتیجه گیری
۶۲۹	فهرست منابع
۶۲۹	الف- کتب فارسی:
۶۴۱	ب- مقالات فارسی:
۶۴۸	ج- کتب لاتین:
۶۶۴	د- مقالات لاتین:
۶۶۸	ه- سایتهای اینترنتی:

مقدمه

جهانی شدن یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیز دنیای معاصر است که متفکران و اندیشمندان مختلف، هر یک به گونه ای راجع به آن سخن می گویند. هم اکنون در مورد جهانی شدن اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و تعبیر و برداشتهای متفاوتی از آن ارائه می شود؛ به نحوی که برخی این اصطلاح را یکی از واژه های مبهم آخر قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یک می دانند. اما آنچه مسلم است، این است که هیچ کس نتوانسته منکر اصل وجود این پدیده و تأثیر آن بر زندگی بشر در دنیای معاصر شود و اختلافها بر سرباعاد گوناگون جهانی شدن، آثار و تبعات یا چگونگی و کم و کیف آن است. یکی از موضوعاتی که در سالهای اخیر، به دنبال جدی شدن مباحث مربوط به جهانی شدن در کانون توجه قرار گرفته است، نسبت این پدیده با دموکراسی اعم از اندیشه دموکراسی، فرهنگ آن و ساختار دموکراتیک در نظامهای سیاسی است.

امروزه دموکراسی به عنوان یکی از گران سنگ ترین دستاوردهای بشری که همواره در سطوح مختلف ملی و فراملی، از وجوه و ابعاد گوناگون مورد توجه قرار می گرفته، با مقوله ای نوین به نام جهانی شدن مواجه است آیا جهانی شدن موجب توسعه و تقویت دموکراسی خواهد شد یا به عکس، به منزله چالشی بر سر راه گسترش آن است یا اینکه نسبت جهانی شدن و دموکراسی لزوماً نسبت نفی و اثباتی نیست. اینها پرسشهایی است که به دنبال موج جدید جهانی شدن در دهه های انتهای قرن بیستم و سالهای آغازین قرن بیست و یکم، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. پرسش اختصاصی تر، راجع به ایران است و اینکه

جهانی‌شدن به عنوان پدیده‌ای فراگیر و اجتناب‌ناپذیر چه تأثیری بر روند دموکراتیزاسیون و ساختار نظام سیاسی ایران گذاشته و می‌گذارد؟ اهمیت این بحث و ضرورت پاسخ به این پرسش، به حدی است که بدون یافتن پاسخ آشکار برای آن، نمی‌توان به تصویرروشنی درباره آینده دموکراسی در ایران و موضع ما در برابر روند رو به تزاید جهانی‌شدن دست یافت و لاجرم چون گذشته، در موضع انفعال و تأثیرپذیری محض یا اضمحلال و انحلال کامل فرو خواهیم غلتید.

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است و می‌خواهد تأثیر جهانی‌شدن را به عنوان پدیده‌ای نو در اندیشه و جامعه‌شناسی سیاسی بر روند دموکراتیزاسیون در ساختار نظام سیاسی ایران معاصر تبیین کند. برای رسیدن به این مقصود باید دانست که آیا می‌توان جهانی‌شدن را در قالب پارادایمهای مسلط موجود همچون لیبرالیسم، رئالیسم، مارکسیسم و... تبیین و تحلیل کرد یا اینکه جهانی‌شدن خودش پدیده‌ای متفاوت و تأثیرگذار است که می‌توان از آن به الگویی نوین در حوزه‌های مختلف اندیشه و جامعه‌شناسی تعبیر کرد. به نظر می‌رسد برداشت دوم به واقعیت نزدیک‌تر است. جهانی‌شدن فرایندی است عام، واقعی و جهانشمول که با توجه به تأثیر آن بر وجوه مختلف زندگی و دانش بشر که به وسیله پارادایمهای موجود قابل تبیین نیست، از آن به پارادایمی جدید تعبیر می‌شود. بنابراین، جهانی‌شدن به عنوان فرایندی فراگیر که قابلیت تبدیل به یک پارادایم نوین در حوزه اندیشه و جامعه‌شناسی را دارد، متغیر نخست این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

در تعریف پدیده جهانی‌شدن، از عام‌ترین و فراگیرترین تعبیر برای فهم این مفهوم کمک می‌گیریم تا بتوانیم همه ابعاد و وجوه مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن را مورد توجه قرار دهیم. لذا به تبعیت از رونالد رابرتسون که بنیادی‌ترین ویژگی جهانی‌شدن را در «فشرده

شدن زمان و مکان» می‌داند؛ به نحوی که هم «فاصله‌های مکانی کوتاه و کوتاه‌تر و مردم دنیا به هم نزدیک‌تر می‌شوند» و هم «فاصله‌های زمانی کمتر می‌شود و سرعت تحولات شتاب بیشتری می‌یابد»^۱، در تعریف جهانی شدن، از تعاریف و رویکردهای مختلفی که گاه با نگاه ایدئولوژیک نسبت به جهانی شدن، آن را تا حد گسترش سرمایه‌داری یا غربی و امریکایی شدن جهان کاهش می‌دهند، فاصله می‌گیریم و از تعریفهایی که این مفهوم را محدود کرده، تنها به وجه یا وجوهی از آن توجه می‌کنند نیز دور می‌شویم و بر دو عنصر بنیادین و عام جهانی شدن یعنی «فشرده شدن زمان و مکان» که سبب «ادغام مردم جهان در جامعه واحد جهانی» به صورتی «آگاهانه» می‌شود تأکید می‌کنیم. تأکید بر عنصر آگاهی به عنوان نقطه عطفی در فرایند جهانی شدن، از دیگر وجوه برجسته تعریف جهانی شدن با بهره‌گیری از نظرات رابرتسون است.

اگرچه جهانی شدن، در مفهوم عام، پدیده‌ای جدید نیست و دارای سابقه‌ای طولانی است که تاریخ بسیاری از ادیان الهی جهان‌شمول یا امپراتوریهای جهان‌گستر را در بر می‌گیرد، ولی دارای دوره‌ها و امواج مختلفی بوده که طرح این مفهوم به شکل نوین، با بروز پاره‌ای رخدادها در دهه‌های انتهایی قرن بیستم همچون سقوط شوروی و فروپاشی دیوار برلین، توسعه شدید ارتباطات، رشد اقتصاد بازار آزاد و فراملی شدن بسیاری از نهادها، سازمانها و مسائل مختلف، از ۱۹۸۹ آغاز شده است و هنوز هم ادامه دارد. بنابراین، منظور ما از جهانی شدن با تعریف مذکور، موج جدید جهانی شدن، یعنی توسعه اخیر آن بعد از پایان جنگ سرد در ۱۹۸۹ است که جهانی شدن در مفهوم گسترده و جدید آن مطرح می‌شود.

۱. رک به: روتالد رابرتسون، جهانی شدن: تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، تهران، نشر ثالث،

دموکراسی، به عنوان شیوه زندگی سیاسی در جهان مدرن، اگرچه سابقه‌ای بالنسبه طولانی دارد و مبانی و اصول آن طی فرایند درازمدت مبارزه برای ایجاد حکومت دموکراتیک، به تدریج تکوین یافته، ولی دارای موجها و مقاطع توسعه متفاوتی بوده که نظریه پردازان مختلفی به تبیین آنها پرداخته‌اند. هانتینگتون از امواج سه گانه دموکراسی (موج اول از ۱۸۲۸ تا ۱۹۲۶، موج دوم از ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۵ و موج سوم از ۱۹۷۵ به بعد) سخن می‌گوید^۱ و فیلیپ اشمیتز از چهار موج کوتاه‌تر و منقطع در فرایند دموکراتیزاسیون سخن گفته است (موج اول از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۲، موج دوم از ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۱، موج سوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ و موج چهارم و آخر از ۱۹۷۵ تاکنون)^۲ که بالطبع، بحث ما به جدیدترین موج در روند دموکراتیزاسیون و تأثیرات آن معطوف می‌شود. منظور از «موج دموکراسی»، مجموعه «تحولاتی است که طی مدت زمان نسبتاً کوتاه و فشرده‌ای، در درون نظامهای سیاسی مختلفی که شباهتهایی با هم دارند (با هم سنخیت دارند)، در جهت پیشرفت فرایندهای دموکراتیک رخ می‌دهد»^۳. هدف ما در این پژوهش، این است که تأثیر مجموعه تغییرات ایجادشده در نظام بین‌الملل را که از آن با تعبیر پارادایم جهانی شدن یاد می‌شود، بر موج اخیر دموکراسی، خاصه در ایران، بررسی کنیم.

1. S.P. Huntington, *The Third Wave: Democratization in The Late Twentieth Century*, Norman, University of Oklahoma Press, 1991

(این کتاب را احمد شهباس با عنوان موج سوم دموکراسی به فارسی ترجمه و نشر روزنه منتشر کرده است)

2. P. Schmitter, «Transitology: The Science or the Art of Democratization» In J. Tulchin and B. Romero(eds), *The Consolidation of Democracy*, Boulder co: wwc, 1995

۳. حسین بشیریه، مقدمه کتاب محبوب شهبازی، تقدیر مردم سالاری، تهران، نشر روزنه،

برای نیل به این مقصود، لازم است شاخصهای بیانگر و نشان‌دهندهٔ موج جدید جهانی شدن را استخراج کنیم، سپس به تبیین شاخصهای دموکراسی و ویژگیهای ساختار دموکراتیک پردازیم و تأثیر شاخصهای جهانی شدن بر تغییر شاخصهای دموکراسی را بررسی کنیم. برای این کار، وضعیت دموکراسی در ایران را به عنوان مطالعهٔ موردی پژوهش حاضر مورد توجه قرار خواهیم داد و سعی می‌کنیم با عنایت به شاخصهای فوق در مقطع مورد تأکید در موج جدید جهانی شدن، یعنی سالهای بعد از جنگ سرد (۱۹۸۹) که تقریباً مصادف با سالهای پس از اتمام جنگ ایران و عراق و آغاز دورهٔ بازسازی است، تأثیر فرایند جهانی شدن را بر دموکراتیزه شدن ساختار نظام سیاسی در ایران و نیز دموکراتیزه شدن فرهنگ سیاسی مردم بسنجیم. واضح است که استخراج شاخصهای معین برای جهانی شدن یا دموکراسی، بسیار دشوار است و کمی نمودن و اندازه‌گیری این شاخصها در ایران دشوارتر، لیکن با توجه به شرایط در حال گذار ایران و آشکاربودن روند دموکراتیزاسیون تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی، سعی خواهیم کرد با استفاده از پاره‌ای ملاکها و معیارها که جهانی و خارجی بودن آن آشکار است، میزان دموکراتیک شدن ساختار نظام سیاسی را نشان دهیم. عواملی همچون وضعیت احزاب، جایگاه مطبوعات، چگونگی انتخابات و پروسهٔ تصمیم‌گیری و چرخش قدرت سیاسی، که هر یک می‌تواند تحت تأثیر عوامل جهانی باشد، نشانگر وضعیت دموکراتیزاسیون در کشور است.

بدیهی است برای نیل به مقصود فوق و فهم تأثیرات ناشی از جهانی شدن بر دموکراتیزاسیون در ایران معاصر، لازم است ابتدا مروری به عمل آوریم بر ادبیات جهانی شدن، تاریخچهٔ آن، تعاریف و نظریه‌های مختلف مربوط به جهانی شدن و بالاخره ابعاد و وجوه مختلف این پدیده و شاخصهایی که نشان‌دهنده و نماد ظهور این پدیده به‌شمار می‌آید. سپس،

دموکراسی و دموکراتیزاسیون و تعاریف و نظریات و شاخصهای آن را تبیین کنیم و مروری اجمالی بر انواع دیدگاهها و نظریات مطرح دربارهٔ تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی که خود تبدیل به محل چالشی برای طرح دیدگاههای مختلف شده است به عمل آوریم.

برخی معتقد به تأثیر جهانی‌شدن در تشدید و تقویت دموکراسی در کشورهای مختلف بوده‌اند، بعضی آن را چالشی جدی برای ظهور و توسعهٔ دموکراسی دانسته‌اند و برخی با نظرات بینابینی، تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراتیزاسیون را به تبع شرایط و ویژگیهای کشورهای مختلف، متفاوت دانسته‌اند. در این میان، مباحث جدیدی چون دموکراسی جهانی و حکومت جهان‌وطنی، چالشهای جدید دموکراسی، میزان اتکای دموکراسی حاصل از جهانی‌شدن به تعریف و قرائت غربی و به‌خصوص امریکایی این مفهوم یا تعدد و تکثر مفهومی در تعریف دموکراسی، از جمله مباحث مورد توجه ما در پژوهش حاضر است. در بخش دوم پژوهش، یعنی مطالعهٔ موردی دربارهٔ تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی در ایران معاصر، لازم است ضمن اشاره به روند‌گذار جامعهٔ ایران به سمت دموکراسی در دورهٔ معاصر، چالشها و بحرانهای موجود در مسیر مزبور و ویژگیهای ساختار نظام سیاسی حاکم در ایران در مقاطع مختلف اخیر، برای سنجش میزان دموکراتیک شدن این ساختار تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن، مشخص کنیم که تغییر شاخصهای دموکراسی در ایران تا چه حد تحت تأثیر شرایط و تحولات داخلی و تا چه میزان متأثر از تحولات جهانی و پروسهٔ جهانی‌شدن است و به این ترتیب، تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی در ایران را بسنجیم.

در بیان ضرورت پژوهش حاضر، اشاره به این نکته کافی است که جهانی‌شدن به عنوان پروسه‌ای اجتناب‌ناپذیر که سوای خواست و ارادهٔ ما مسیر خود را طی می‌کند، خواهی نخواهی تأثیرات شگرفی بر کلیهٔ شئون

زندگی افراد جامعه ما برجا می‌گذارد و حیات سیاسی - اجتماعی آحاد افراد جامعه نمی‌تواند فارغ از این پدیده، به مسیر خود ادامه دهد. به عبارت دیگر، این پدیده مانند اتفاقی است که چه بخواهیم چه نخواهیم سر راهمان سبز خواهد شد و فرهنگ، زندگی اجتماعی و ساختار نظام سیاسی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. پس چه بهتر که قبل از آنکه با چشمان بسته وارد این طوفان فراگیر شویم، آثاری را که این طوفان تاکنون بر زندگی جمعی و ساختار سیاسی ما بر جا گذاشته است، مطالعه کنیم و قضاوت درباره نیک و بد بودن این پدیده را به بعد از مطالعه درباره تأثیرات و عوارض آن احاله کنیم. در این پژوهش، سعی و تلاش ما این است که تأثیر این پدیده فراگیر را بر میزان دموکراتیزه شدن ساختار نظام سیاسی حاکم در ایران بررسی کنیم. این مسئله از دو جهت مهم است: هم از جهت اهمیتی که جهانی شدن به عنوان فرایندی فراگیر دارد و مطالعه ابعاد، وجوه و تأثیرات آن ضروری است و هم به جهت اهمیت مقوله دموکراتیزاسیون در ایران؛ چرا که این موضوع از مهم‌ترین چالشها و مباحث ایران طی دو قرن اخیر بوده که در انقلابها، جنبشها و اصلاحات مختلف مدنظر بوده و به لحاظ داخلی، تلاشها و مجاهدتهای فراوانی برای بسط و توسعه دموکراسی در ایران صورت گرفته است و اکنون می‌خواهیم نقش مؤلفه‌های جهانی را بر این پدیده و میزان گسترش آن بررسی کنیم.

ناگفته پیداست که جهانی شدن به لحاظ وسعت مفهوم و گستره تأثیرات، یکی از مطرح‌ترین و پرچالش‌ترین مباحث حوزه‌های مختلف دانش بشری طی دهه‌های اخیر بوده است. به نحوی که همه روزه‌دهها کتاب، مقاله و سمینار جدید با موضوع جهانی شدن در دنیا مطرح می‌شود و انتشار می‌یابد و شاید بتوان جنگ متنوعی از دیدگاهها، نظریات و نقدهای مختلف نسبت به جهانی شدن را تحت عنوان کلی ادبیات جهانی شدن فراهم کرد.

بخش عمده‌ای از این جُنگ را، دیدگاهها و نظریه‌پردازهای مختلف انجام شده دربارهٔ جهانی شدن تشکیل می‌دهد که برخی از آنها نسبت به جهانی شدن و پیامدهای آن برای بشر امروز خوش‌بین هستند و دنیای پس از جهانی شدن را دنیایی دموکراتیک و صلح‌آمیز می‌دانند و برخی دیگر نسبت به جهانی شدن و نتایج حاصل از آن خوش‌بین نبوده و به آن با دیدهٔ انتقاد و تردید می‌نگرند. از نظراین گروه، جهانی شدن به منزله چالشی جدید برای صلح و دموکراسی و رفاه بشر محسوب می‌شود. ثنولبرالهایی که دموکراسی لیبرال را سرنوشت محتوم بشر دانسته و جهانی شدن را حرکت در مسیر لیبرال - دموکراسی می‌دانند، جزء دستهٔ اول محسوب می‌شوند. اما منتقدان جهانی شدن هم کم نیستند. آنها جهانی شدن را موجب گسترش شکاف میان غنی و فقیر و توسعهٔ فقر و نابرابری و تنگدستی می‌دانند. وینسنت فاکس، رئیس جمهور مکزیک، جامعهٔ نابرابر، تنگدست و بدون دموکراسی واقعی را نتیجه جهانی شدن می‌داند و هانتینگتون از ستیز تمدنها و بشریت طبقاتی شده و جایگزینی دموکراسی عامه‌پسند به جای دموکراسی کثرت‌گرا سخن می‌گوید.^۱ ژان ماری گنو هم تعبیر یتیم شدن انسان در پی جهانی شدن و شهروند اجتماعات ناپایدار شدن را مطرح می‌کند.^۲ نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف دیگری نیز به این تردید و بدبینی دامن زده‌اند.

اما نگاه بینابین و متفاوتی نیز وجود دارد؛ نگاهی که نه مبتنی بر خوش‌بینی مطلق است و نه انکار مطلق. این نگاه نظریاتی را دربرمی‌گیرد که با وسواس و دقت به مطالعهٔ اجزای جهانی شدن پرداخته است و نه

۱. ساموئل هانتینگتون، تمدنها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سررپ، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۸۰

۲. ژان ماری گنو، آیندهٔ آزادی: چالشهای جهانی شدن دموکراسی، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۱۸

دنیای متحد و دموکراتیک مورد ادعای تئولیرالها را دست یافتنی می‌داند و نه به کلی منکر ادعای ایشان درباره تأثیرات مثبت جهانی شدن و دستاوردهای خوب آن برای بشریت می‌شود. از نظر صاحبان این رویکرد، جهانی شدن امتیازات متنوعی چون دموکراسی و توسعه اقتصادی را برای بشریت به ارمغان می‌آورد، ولی چالشهای جدی هم بر سر راهش وجود دارد. بحران آمریت دولت، جایگاه عدالت اجتماعی، آزادیهای عمومی و موقعیت گروههای کم‌قدرت در صحنه جهانی از جمله این چالشهاست.

در قالب هر یک از رویکردهای فوق یا دیگر مباحث مرتبط با جهانی شدن، تاکنون دهها کتاب و مقاله ارزشمند منتشر شده که از این میان، برخی نیز به فارسی ترجمه شده است. از زاویه‌ای دیگر، می‌توان آثار تألیف شده درباره جهانی شدن را بسته به رویکرد آنها نسبت به جهانی شدن و اینکه اولویت را به کدام یک از وجوه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این پدیده داده‌اند، تقسیم‌بندی کرد. بر این مبنا، علاوه بر نویسندگان قدیمی چون سن سیمون، کنت، وبر و مارکس که از آرای آنها درباره جهانی شدن برداشتهایی استنباط می‌شود، نویسندگانی همچون کیر^۱، دانلوپ^۲ و هاریسون^۳، دانیل بل^۴، نیکلاس لوهمان^۵، با نگاه اجتماعی، در این زمینه نظر داده‌اند. نظریه پردازانی هم چون سمیر امین^۶،

1. I.M. Kerr, *A History of Euroband Market: The First 21 Years*, London, Euoromony, 1984

2. Dunlup

3. Harbison

4. D. Bell, *The Coming of Post-Industrial Society*, London, Heiremann, 1973

_____, «The World and the U.S in 2013», Deadalus, 1987

5. N. Luhman, *The Differenciation of Society*, NewYork, Columbia University Press, 1982

6. S.Amin, «The Challange of Globalization», *Review of International Political Economy*, Vol. 3, No. 2

اسکلیر^۱ و والرشتاين^۲ با نگاه اقتصادی به بحث از جهانی‌شدن پرداخته و آثاری در این زمینه عرضه کرده‌اند.

در بعد سیاسی هم می‌توان به نظریه‌پردازانی چون برتن^۳، بول^۴، گیلپین^۵ و روزنا^۶ اشاره کرد. مارشال مک لوهان^۷ نیز رویکردی فرهنگی و ارتباطی نسبت به جهانی‌شدن ارائه کرده است. برخی از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان جهانی‌شدن، پا را از این فراتر نهاده و نگاهشان به جهانی‌شدن، نگاهی جامع و فراگیر همچون یک پارادایم است و معتقدند این مفهوم نقش محوری در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علوم، به‌ویژه علوم انسانی دارد که سبب پیدایش حوزه‌ای جدید در علوم انسانی و تولد

_____, *Capitalism in the Age of Globalization, The Managemet of Contemporary Society*, London, Zed, 1997

1. L. Sklair, *Sociology of The Global System*, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf, 1995

_____, *Social Movemenus & Global Capitalism* in F. Jameson & M. Miyoshi(eds), *The Cultures of Globalization*, 1998

2. I. Wallerstein, *Historical Capitalism*, London, Verso, 1983.

_____, *Geopolitics and Geoculture*, Cambridge, Cambridge University Press, 1991

3. Burton

4. H. Bull, *The Anarchical Sociology: A Study of Order in World Politics*, London, McMillan, 1977

5. Gilpin

6. J.N. Rosenau, *Turbulance in World Politics, A Theory of Change and Continuity*, Princeton Princetion University Press, 1999

_____, *Along the Domestic-Foraing Frontier: Exploring Governance in a Turbulent World*, Cambridge, Cambridge University Press, 1997.

7. M.Mcluhan, *Understanding Media*, London, Routledge, 1964

(این کتاب را سعید آذری با نام برای درک رسانه‌ها ترجمه و مرکز تحقیقات صدا و سیما در سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است)

دوره‌ای نوین در زندگی اجتماعی انسان شده است. این گروه از نظریه‌پردازان، هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ تنوع آرا و دیدگاهها، بسیار زیادند و اشاره به آرا و حتی نام آنها از حوصله بحث ما خارج است. با این حال، باید گفت افرادی چون دیوید هاروی^۱، آنتونی گیدنز^۲، رونالد رابرتسون^۳ و مالکوم واترز^۴ از این دسته به شمار می‌آیند که هر یک دیدگاهی مستقل و آثار جامعی درباره جهانی شدن دارند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، تعداد زیادی آثار شرحی، اعم از کتاب و مقالات مختلف، به گردآوری آرای مختلف یا نقد و شرح آنها به زبان‌های اروپایی پرداخته که عرصه وسیعی درباره ادبیات جهانی شدن به وجود آورده است. از میان کتابهای مورد اشاره، بیشتر کتابهایی که به نحوی به آثار و تبعات سیاسی جهانی شدن پرداخته‌اند، مقوله دموکراسی و دموکراتیزاسیون در کشورهای مختلف را هم مورد توجه قرار داده‌اند. در این کتابها، نظریه‌پردازهای مختلف و گاه مطالعات موردی مورد استفاده واقع شده است. نویسندگانی چون دیوید هلد، صاحب نظریه دموکراسی

1. D. Harvey, *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Conditions of Cultural Change*, Oxford, Blackwell, 1989

———, *From Space to Place and Back Again: Reflections on the Condition of Postmodernity* in J. Bird, *Mapping the Future*, London, Routledge, 1993

2. A. Giddens, *The Consequences of Modernity*, Cambridge, Polity Press, 1990

———, *Beyond left & Right*, Cambridge, Polity press, 1994

———, *The Third Way: The Renewal of Social Democracy*, Cambridge, Polity Press, 1998

3. R. Robertson, *Globalization*, London, Sage, 1992

(این کتاب را کمال پولادی به فارسی ترجمه و نشر ثالث در ۱۳۸۰ منتشر کرده است).

4. M. Waters, *Globalization*, London, Routledge, 1995

(این کتاب را نیز اسماعیل مردانی گیوی و سباوش مرییدی ترجمه کرده‌اند که در ۱۳۸۰ سازمان مدیریت صنعتی آن را منتشر کرده است)

جهانی نیز، به‌طور مستقل دربارهٔ آینده دموکراسی در پی جهانی‌شدن بحث کرده‌اند.^۱ گاهی نیز نویسندگانی در شرح آرای مربوط به جهانی‌شدن دموکراسی قلم زده‌اند. باری هیلدن^۲ و ژان ماری گنو^۳ از این دسته‌اند. هابرماس هم در کتابی نقدی به بحث از جهانی‌شدن و آینده دموکراسی پرداخته است.^۴

در مجموع، دربارهٔ جهانی‌شدن و ابعاد و وجوه آن آثار بسیار زیادی تألیف شده که بخشی از آنها نیز به بحث از جهانی‌شدن و تأثیر آن بر دموکراسی و نیز ارائهٔ رویکردها و نظریات مختلف در این خصوص پرداخته‌اند. در این باره مطالعات موردی مختلفی هم انجام شده است، اما پژوهش مستقلی دربارهٔ تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی در ایران یافت نشد و جز پاره‌ای مطالعات و مقالات پراکنده، پژوهش جامعی دربارهٔ تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی در ایران انجام نشده است. در مورد منابع فارسی شرایط کاملاً متفاوت است، زیرا با وجود توجهی که طی سالیان اخیر به مقولهٔ جهانی‌شدن، شده و در محافل دانشگاهی، مطبوعاتی و سیاسی مسائل مربوط به این پدیده در کانون توجه قرار گرفته است، هنوز کاستی‌های بسیار زیادی وجود دارد؛ چرا که اولاً بخش عمدهٔ آثار منتشره

1. D. Held, *Democracy, The Nation State and the Global System*, in D. Held (ed), *Political Theory Today*, Oxford, Polity Press, 1991

_____, *Democracy & Globalization*, in D. Held & others (eds), *Reimagining Political Community*, Oxford, Polity Press, 1998

_____, *Democracy and the Global Order: From The Modern State to Cosmopolitan Governance*, Cambridge, Polity Press, 1995

_____, (ed), *A Globalizing World, Culture, Economics, Politics*, Routledge, 2000

2. Bary Hilden(ed), *Global Democracy*, London, Routledge, 2000

۳. ژان ماری گنو، آیندهٔ آزادی: چالشهای جهانی‌شدن دموکراسی

۴. بررگن هابرماس، جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز،

به زبان فارسی، ترجمه کتابهای غربی است و چون لزوماً گزینش و انتخاب خاصی در ترجمه‌ها وجود نداشته است، گاه آثار مؤخر بدون توجه به پیشینه مباحث ترجمه شده و گاه مترجمان به سراغ کتاب‌های شرحی و نقدی رفته‌اند، در حالی که هنوز خود آثار اصلی و بنیادین که این کتابها به شرح و نقد آنها پرداخته‌اند، ترجمه نشده است.

در بخش تألیف وضع از این هم آشفته‌تر است، چرا که با وجود انتشار کتابها و مقالات مختلف در موضوع جهانی‌شدن^۱ و اختصاص بسیاری از پایان‌نامه‌های تحصیلی به این موضوع و حتی تخصیص برخی از پروژه‌های پژوهشی کلان به موضوع مورد اشاره، هنوز فضای گفتگوی جدی درباره جهانی‌شدن و آثار و پیامدهای آن برای کشورمان طرح نشده است.

به هر حال درباره موضوع پژوهش حاضر، یعنی تأثیر جهانی‌شدن بر دموکراسی در ایران معاصر کار مستقل و مشخصی چه در منابع غیرفارسی و چه در منابع فارسی یافت نشده است. امید آنکه این پژوهش بتواند با پاسخ‌گویی به سؤالات مطروحه در این زمینه، بخشی از خلأ موجود را پر کند و در کنار تحقیقات و پژوهشهای دیگر، به پرسشهای کلی و مهم درباره آینده ایران و جهانی‌شدن و اینکه چه کرده‌ایم و چه باید بکنیم پاسخ گوید. بدیهی است برای پاسخ به این پرسشها، باید مراقب بود تا اولاً شناخت دقیق و جامعی از کم و کیف این پدیده در جهان و انواع نظریات و دیدگاههای مربوط به آن حاصل شود. ثانیاً با بررسی دقیق وضعیت خودمان از زوایای مختلف، تأثیراتی که جهانی‌شدن بر وضعیت ما گذاشته و می‌گذارد تبیین شود. ثالثاً باید مراقب بود تا در دام قضاوتهای سطحی و

۱. از جمله این کتابها می‌توان به آثار فرهنگ رجایی، پدیده جهانی‌شدن وضعیت بشری و شدن اطلاعاتی حسین سلیمی، فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر و نیز داریوش اخوان زنجانی، جهانی‌شدن و سیاست خارجی، علی‌اصغر کاظمی، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست یا محمد کاظم سجادی‌پور، جهانی‌شدن برداشتها و پیامدها و احمد سیف، جهانی‌کردن فقر و فلاکت اشاره کرد.

زود هنگامی که تنها تحت تأثیر گرایشهای ایدئولوژیک و قبل از هرگونه بررسی جامع به قضاوت درباره جهانی شدن نشسته و آن را مساوی تهاجم فرهنگی و محصول امریکایی شدن می داند یا برعکس گرایشهایی که راه نجات و فلاح را در جهانی شدن دیده و آن را تنها راه حل مشکلات جامعه ما می شمرند، نیفتیم و فارغ از این افراط و تفریطها، منصفانه و گام به گام این پدیده و آثارش را بررسی کنیم.

پرسش اصلی که پژوهش حاضر در صدد پاسخ به آن است، این است که: «پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر میزان دموکراتیک شدن ساختار نظام سیاسی در ایران معاصر داشته است؟»

در ذیل این سؤال، به سؤالات فرعی مختلفی باید پاسخ گیریم:
- جهانی شدن چیست و انواع نظریات و دیدگاههای مربوط به آن کدام است؟

- وجوه و ابعاد مختلف جهانی شدن چیست و شاخصهای مبین آن کدامند؟

- دموکراسی چیست و با چه شاخصهایی می توان دموکراتیزاسیون هر کشور را سنجید؟

- نظریات و دیدگاههای گوناگون درباره تأثیر جهانی شدن بر ساختار نظامهای سیاسی چیست؟

و بالاخره، چالشهای فراروی دموکراسی در ایران، در مسیر جهانی شدن کدام است؟

فرضیه اصلی در این پژوهش، این است که «جهانی شدن طی دهه های اخیر، سبب گسترش فرهنگ دموکراتیک و ایجاد و تقویت برخی ساختارهای دموکراتیک "به شکلی نسبتاً متفاوت با دموکراسیهای لیبرال غربی"، در ایران شده است.»

هدف ما در این تحقیق، این است که تأثیرات حاصل از پدیده جهانی

شدن را بر میزان دموکراتیک شدن و روند دموکراتیزه شدن ساختار نظام سیاسی ایران در دوره معاصر بیاییم.

مقطع زمانی پژوهش حاضر، دوره معاصر است؛ لیکن با توجه به اینکه جدیدترین موج جهانی شدن را باید شامل مجموعه تحولات بعد از پایان جنگ سرد در ۱۹۸۹ دانست، در بحث دموکراتیزاسیون در ایران هم، با بهره‌گیری از نظریه امواج دموکراسی هاتینگتون که جدیدترین موج دموکراسی، یعنی موج سوم آن را از ۱۹۷۵ می‌داند، مبنای کار ما موج سوم دموکراسی است. به این ترتیب، محور مطالعه حاضر، تأثیراتی است که جهانی شدن پس از تغییر نظام دوقطبی و اتمام جنگ سرد بر روند دموکراتیزاسیون در ایران داشته است.

پژوهش حاضر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی قرار دارد. به همین دلیل، سؤالهای این پژوهش در راستای کشف و تبیین روابط حکومت و جامعه در پی ظهور پدیده جهانی شدن است. به بیان دیگر، تلاش ما در این نوشتار این است که از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، تأثیرات ناشی از تولد پدیده‌ای جدید، یعنی جهانی شدن را، بر میزان دموکراتیک شدن ساختار نظام سیاسی با مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران بسنجیم.

رهیافت متدولوژیک مورد استفاده در این پژوهش برای فهم پدیده جهانی شدن، رویافت یا نظریه گفتمان است. چرا که در نظریه گفتمان، سیستمهای معانی یا همان گفتمانها، فهم مردم را از نقش خود در جامعه شکل می‌دهند و بر فعالیتهای سیاسی آنان و به تبع بر ساختارهای سیاسی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، «گفتمان شامل انواع رفتارهای اجتماعی، سیاسی و همچنین نهادها و سازمانهاست» و به همین دلیل، می‌توان در چارچوب نظریه گفتمانی به فهم پدیده جهانی شدن نائل آمد؛ چرا که فهم این پدیده به واسطه ابعاد گسترده، ماهیت تفهیمی و ویژگی سیستمی با رویافت گفتمانی بهتر میسر می‌شود.

البته باید توجه داشت که ذیل رهیافت گفتمان، «مجموعه متنوعی از ابزارهای روش‌شناسی قرار می‌گیرد که ویژگی مشترک همه آنها پست‌مدرنیست بودن آنهاست، یعنی در آنها تمامیت‌گرایی مدرنیستی یا قطعیت دانش یا جوهرگرایی مدرنیته پذیرفته نمی‌شود»^۱ لذا روایت‌های خارج از چارچوب دانش مدرن هم، مورد احترام است و این دقیقاً همان چیزی است که برای فهم صحیح‌تر جهانی‌شدن و دموکراسی لازم داریم. یعنی نمی‌خواهیم در خلال بررسی، در دام برخی از محدودیت‌های مدرنیستی در فهم این مفاهیم قرار گیریم. از سوی دیگر، به دلیل محوریت نظریه گفتمان، مقولاتی چون «ایجاد و تجربه ضدیت‌های اجتماعی»، «اینکه مردم چگونه در جوامع خود را می‌فهمند و عمل می‌کنند» و بحث «استیلا یا هژمونی از طریق سیاسی» و «ویژگی مفصل‌بندی بودن»^۲ از اقتضائات این نظریه است. بنابراین، سعی می‌کنیم برای فهم مفاهیم جهانی‌شدن و دموکراسی، از رهیافت گفتمانی استفاده کنیم. بر این مبنا، جهانی‌شدن را چون پارادایمی جدید در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مد نظر قرار خواهیم داد که می‌تواند بر ساختار نظام‌های سیاسی تأثیرگذار باشد و به گفتمانی نوین در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بینجامد.

از سوی دیگر، این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و می‌کوشد با استفاده از روش «تبیین علی» برای فهم تأثیر متغیر نخست بر متغیر وابسته استفاده کند. در این پژوهش، «جهانی‌شدن» متغیر اول یا متغیر مستقل و «دموکراسی در ایران» متغیر دوم یا متغیر تابع (وابسته) است. تلاش ما فهم تأثیرات متغیر نخست بر متغیر دوم و روش ما، روش تبیین علی، و به تعبیر

۱. دبیرد هوارت، «نظریه گفتمان» از کتاب روش و نظریه در علوم سیاسی، دبیرد مارش و جری استوکر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸،

ص ۱۹۵

۲. همان، صص ۲۰۳-۲۰۹

دانیل لیتل، مدخلیت علی^۱ است.^۲

منظور از مدخلیت علی این است که تأثیر متغیر مستقل و شاخصهای آن بر متغیر وابسته تأثیرگذاری تامه نیست، بلکه میان دو متغیر و شاخصهای آن دو، نوعی نظم استقرایی وجود دارد؛ یعنی علت بودن متغیر اول برای متغیر دوم به معنی تلازم و همبستگی میان حوادث و شاخصهایی از متغیر نخست است با شاخصهایی از متغیر دوم. پس متغیر نخست تنها از جهاتی بر متغیر دوم تأثیر علی دارد که به این نوع تأثیرگذاری مدخلیت علی می‌گوییم و نباید توقعی وسیع‌تر از این علت داشته باشیم.

بنابراین، متدولوژی پژوهش حاضر متدولوژی گفتمانی و روش تحقیق، تبیین علی از نوع مدخلیت علی و روش گردآوری اطلاعات، روش اسنادی یا کتابخانه‌ای است.

به این ترتیب، برای فهم چگونگی تأثیرگذاری متغیر مستقل یعنی جهانی شدن بر متغیر وابسته یعنی دموکراسی در ایران، در درجه اول جهانی شدن را به عنوان پدیده‌ای فراگیر در علوم انسانی مورد توجه قرار داده و شاخصهای نشان‌دهنده این فرایند را مشخص می‌کنیم و سپس به بررسی متغیر وابسته یعنی دموکراسی در ایران می‌پردازیم. برای این کار، ابتدا شاخصهای تعیین‌کننده دموکراسی که با اندازه‌گیری آنها می‌توان میزان دموکراتیک بودن ساختار سیاسی را سنجید، استخراج می‌کنیم و آنگاه، با سنجش میزان تغییر این شاخصها در اثر ورود شاخصهای متغیر نخست (جهانی شدن)، رابطه علی میان این دو متغیر را درخواهیم یافت. این تأثیرسنجی با روش تبیین علی در فضای گفتمانی انجام می‌شود.

برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و اندازه‌گیری و فهم نحوه تأثیر متغیر

1. Causal Nelevance

۲. دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، نشر صراط، ۱۳۷۳،

نخست بر متغیر وابسته، این پژوهش در دو بخش مجزا سازمان می‌یابد. بخش نخست در پنج فصل و بخش دوم در سه فصل سامان می‌یابد. در بخش نخست، پس از فصل حاضر به عنوان مقدمه، در فصل دوم، مرور بالنسبه جامعی بر ادبیات جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل این پژوهش خواهیم داشت.

تعریف جهانی شدن، تاریخچه و عوامل مؤثر بر آن و مروری بر انواع نظریات مربوط به جهانی شدن و سپس تبیین ویژگیهای جهانی شدن، از مهم‌ترین مباحث فصل دوم است. آنگاه در فصل سوم به بررسی ابعاد و وجوه مختلف این پدیده شامل وجوه فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازیم و سپس شاخصهای تعیین‌کننده جهانی شدن که برای سنجش تأثیرات آن، ناچار از توجه به این شاخصها هستیم، برشمرده می‌شود.

فصل چهارم به تعریف دموکراسی و دموکراتیزاسیون، اشاره به انواع نظریات آن و نظریه امواج دموکراسی و در نهایت معرفی شاخصهای اساسی دموکراسی اختصاص دارد. در فصل پنجم، با عنوان «جهانی شدن و دموکراسی» بحث نظری پژوهش را مورد توجه قرار می‌دهیم و ضمن اشاره به دیدگاههای مطرح در این زمینه، چگونگی تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی را مطرح می‌کنیم.

بخش دوم از این پژوهش، به مطالعه موردی درباره ایران اختصاص دارد. در این بخش، طی سه فصل، ضمن اشاره به سوابق دموکراتیزاسیون در ایران و زمینه‌های موجود برای تأثیرپذیری از جهانی شدن، به اندازه‌گیری شاخصهای جهانی شدن، شاخصهای دموکراسی و میزان تأثیرپذیری آنها از جهانی شدن در ایران معاصر، یعنی ایران پس از سالهای ۱۹۸۹ یا به تعبیر دیگر ایران پس از اتمام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌پردازیم. به این منظور فصل ششم به مطالعه دموکراسی در ایران

اختصاص یافته است.

در این فصل دربارهٔ سابقه، امواج مختلف دموکراسی و وضعیت دموکراسی در ایران قبل از ورود موج اخیر جهانی شدن، بحث کرده زمینه‌های داخلی تأثیرپذیری دموکراتیزاسیون از جهانی شدن را بررسی می‌کنیم.

فصل هفتم با اتکا به داده‌های آماری و اطلاعات میدانی، وضعیت شاخصهای جهانی شدن در ایران را بررسی می‌کند.

در فصل هشتم شواهد مختلفی که نشان‌دهندهٔ تأثیر جهانی شدن در پیشبرد شاخصهای دموکراسی است مورد توجه قرار می‌گیرد و در پایان به جمع‌بندی و تحلیل مباحث این پژوهش و یافتن رابطه منطقی مباحث با سؤالات و فرضیه تحقیق می‌پردازیم. امید آنکه مقبول طبع و مفید فایده افتد.